

انتخاب افراد مسئول

ریاست، معمولا کار پر زحمت و پرمشقتی است ولی در عین حال در بین انسانها، خواهان ریاست فراوان است، زیرا در افراد انسان انگیزه‌های مختلفی وجود دارد و هر فردی با انگیزه مخصوصی داوطلب ریاست می‌شود. انگیزه‌ها را می‌توانیم در چهارچیز خلاصه کنیم:

- انگیزه اول: شهرت دوستی و جاه‌طلبی و ریاست به خاطر ریاست خواستن.
 - انگیزه دوم: رفاه طلبی برای خوشگذرانی و هوسرانی بیشتر.
 - انگیزه سوم: انتخاب ریاست به عنوان شغل و راه درآمد زندگی.
 - چهارم: خدمت به اجتماع و اداء وظیفه و انجام مسئولیت اجتماعی.
- در نظام اسلام تنها افرادی که با انگیزه خدمت به اجتماع و اداء وظیفه داوطلب قبول ریاست می‌شوند و ناپستگی آنرا نمی‌دارند مورد تایید قرار گرفته‌اند و ملت باید

نظر اسلام و قانون اساسی

از آنها حمایت کنند. انگیزه‌های دیگر از نظر اسلام محکوم است و باید است اسلامی بر سینه کسانی که به انگیزه‌های مادی و جاه‌طلبی به طلب ریاست برخاسته‌اند دست زده بزنند.

برای اینکه دیدگاه اسلام در این مسئله کاملا روشن گردد مطلب را دنبال می‌کنیم.

شهرت دوستی و جاه‌طلبی

دانشمندان علم اخلاق، جاه‌طلبی را یکی از صفات زشت می‌شمارند و آنرا ناشی از زدیلت اخلاقی دانسته‌اند. مرحوم نراقی در جامع السفادات می‌گوید:

«جاه طلبی و شهرت دوستی از صفاتی است که موجب هلاکت و تباهی انسان می‌گردد و کسی که طالب جاه و شهرت باشد در حقیقت طالب آفت دنیا و آخرت خویش است.»

و در بیان معنای جاه و شهرت می‌گوید:

«شهرت، به معنای انتشار نام در بین

مردم و جاه‌طلبی به معنای این است که انسان دوست داشته باشد دل‌های مردم در تسخیر او باشد و مردم او را به عظمت پیاد کنند و مطیع و فرمان بردار او باشند.»

و در همان فصل می‌گوید:

«یکی از راه‌های رسیدن به این مقصد ریاست است و (غالباً) ریاست خواهی از جاه طلبی سرچشمه می‌گیرد.»

از پیشوایان بزرگ اسلام، روایات فراوانی رسیده که در آن از ریاست طلبی مذمت شده است و حب ریاست را بسیار خطرناک دانسته‌اند از رسول خدا (ص) نقل شده که آن حضرت فرمود:

«ان اول ما عصى الله به ستة: حبه الدنيا و حبه الرياسة...» (۱) اولین چیزهایی که به وسیله آن معصیت خداوند انجام شده شش چیز است که یکی از آنها حب دنیا و دیگری حب ریاست است و... از امام چهارم (ع) نقل شده که فرمود:

«ایمان تنها پس فیضک الله.» (۲)

— بهره‌یز از اینکه خواهی (بردیگران) ریاست کنی که خداوند تو را در جامعه‌ست و بی‌مقدار میکند.

و از امام ششم (ع) نقل شده که فرمود: ملعون است کسی که (بردیگران) ریاست می‌کند و ملعون است کسی که به طلب ریاست بر می‌خیزد و ملعون است کسی که با حدیث نفس اندیشه ریاست دارد. و در حدیث دیگر نقل شده که فرمود: کسی که به طلب ریاست برخیزد خود را به تباهی می‌کشاند. (۳)

از امام هشتم (ع) نقل شده که آن حضرت سخن از مردی به میان آوردند و فرمودند: او ریاست خواه است. سپس فرمودند: زبان دو ترک درنده که وارد گله گوسفندی شوند در حالیکه چوپان گله از گوسفندان دور شده باشد بیش از زبان ریاست خواهی برای دین مسلمان نمی‌باشد. (۴)

با توجه به اینکه تصدی ریاست برای اداره امور لازم و از نظر فقهی واجب‌گفائی است، روایاتی که از ریاست مذمت نموده در مورد افرادی خواهد بود که نایب ریاست نمی‌باشند و ریاست را به منظور جاه طلبی می‌خواهند نه به منظور خدمت و اداء وظیفه.

و تصدی ریاست برای افرادی که لایق آن نباشند، به منظور حکمرانی و سلطه بر دیگران در جهت اتباع غریزه جاه‌طلبی چنانکه از روایات یاد شده استفاده می‌شود از رذائل اخلاقی و موجب معصیت خدا است و ریاست طلب از رحمت خداوند دور و به هلاکت و تباهی نزدیک است. بنا بر این کسی که به انگیزه حب‌جاه داوطلب ریاست می‌گردد برای اسلام خطرناک است و حمایت از او نامشروع و برای دین مسلمان ضرر دارد.

ابوحزمه ثمالی در ضمن حدیثی از امام صادق (ع) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: به دور باش از اینکه ریاست نمائی و بدور باش از اینکه پشت سر مردان ریاست طلب قدم برداری... و به دور باش از اینکه

مردی را به ریاست نصب کنی و او را در هر گفتار تصدیق نمائی بدون اینکه او (از طرف خدا) حجت (و برای ریاست شایسته) باشد. (۵)

نشانه‌های جاه‌طلبی

ممکن است بعضی از افراد به انگیزه جاه طلبی داوطلب ریاست شوند ولی چنین وانمود کنند که از باب اداء وظیفه اقدام کرده‌اند، حتی ممکن است امر بر خود آنها

نیز مشتبه گردد و از باب اینکه شیطان عمل آنها را نیک جلوه داده باورشان آمده باشد که انگیزه اقدام آنها صرفاً به منظور اداء تکلیف است. برای جاه‌طلبی و ریاست خواهی نشانه‌هایی ذکر شده که برای روشن شدن افکار و آگاهی بیشتر، به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

۱- استفاده از اسباب نامشروع

در تاریخ ائمه معصومین (ع) دیده نشده است که برای رسیدن به مقام امامت و رهبری که حق مشروع و مسلم آنها بوده کوچکترین خلاف شرعی انجام داده باشند بلکه، بر عکس، حتی در مواردی هم که یاران آنها بقاء حاکمیت آنها را در انجام یک خلاف کوچک می‌دانستند مرتکب آن خلاف نمیشدند از باب نمونه در تاریخ می‌بینیم برائسر تقسیم عادلانه بیت المال در زمان حکومت علی (ع) بعضی از افرادی که طمع زیادتی داشتند، از اطراف آن حضرت پراکنده می‌شدند و به مخالفین می‌پیوستند، این امر در نظر اصحاب علی (ع) برای بقاء حکومت

او یک خطر جدی محسوب می‌شد، از این جهت به آن حضرت پیشنهاد کردند که برای جذب افراد و جلوگیری از خطر احتمالی، به بعضی از آنها سهم بیشتری داده شود.

حضرت فرمود: "اگر مروتی آن اطلب - النصر بالجور فیمین ولیت علیه؟" به من دستور میدهید که با جور طلب‌باری نمایم؟ از این سخن به خوبی استفاده می‌شود که برای رسیدن به مقام ریاست و با حفظ آن نباید از طریق نامشروع استفاده شود و اگر

حب مدح بی جا و کراهت ذم به جا از آثار جاه طلبی و از صفات زشتی است که انسان را به هلاکت و تباهی تهدید می‌کند.

انسانی برای رسیدن به مقام ریاست فعل حرامی مرتکب شد دلیل آن است که جاه طلب بوده و حس جاه‌طلبی حصار تقوای او را شکسته است.

۲- حب مدح و کراهت ذم

یکی از چیزهایی را که علامت و نشانه جاه طلبی دانستند این است که انسان دوست داشته باشد از او مدح و ستایش شود و از اینکه او را مذمت نمایند ناراحت گردد مرحوم نراقی در جامع السعادات ج ۲ ص ۳۶۲ می‌فرماید: حب مدح و کراهت ذم از آثار جاه طلبی و از صفات زشتی است که انسان را به هلاکت و تباهی تهدید می‌کند.

عبارت مرحوم نراقی به طور مطلق می‌گوید حب مدح و کراهت ذم از حس جاه طلبی ناشی می‌شود ولی باید دانست آنچه شدیداً مذموم و نشانه جاه طلبی در حد افراط می‌باشد این است که انسان از مدح بی‌جا خوشنود و مداح را تشویق نماید و از مذمت بی‌جا و به مورد ناراحت گردد و مذمت کننده را مورد موافقت قرار دهد.

علی (ع) به مالک اشتر میفرماید:
 "والصق باهل الورع والصدق ورهبهم
 علی ان لا یخروک".
 - با پارسایان و راستگویان در تماس
 باش (و خود را به آنها نزدیکتر کن) و آنها
 را عادت بده (و به آنها سفارش نما) که در
 حد افراط تو را ستایش نکنند.

بنا بر نقل مرحوم سید رضی در نهج -
 البلاغه، علی (ع) در صفین خطابه ای
 ایراد فرمودند که در آن خطابه حق والیان
 را بر مردم و حق مردم را بر والیان شرح
 می داد (و مردم را برای رعایت آن حقوق
 آماده می نمود). مردی از اصحاب در پاسخ
 آن حضرت، ضمن یک سخن طولانی که
 مراتب ارادت مندی و اطاعت خود را به عرض
 می رساند از آن حضرت بسیار ستایش نمود.
 امام (ع) فرمود: «دوست ندارم که شما
 درباره من گمان ببرید که من کثرت ستایش
 شنیدن و ثناگوئی را دوست دارم و من
 بحمدالله چنین نیستم... و گمان ببرید
 که شنیدن سخن حق بر من گران بیاید لذا از
 گفتن حق در حضور من خودداری نکنید -

امیر المؤمنین (ع):

**گمان مبرید که شنیدن سخن حق بر من گران بیاید
 لذا از گفتن حق در حضور من خودداری نکنید و به جای
 ستایش ها حقیقت را بگوئید.**

و به جای ثناگوئی ها و ستایش ها حقیقت را
 می پرده بگوئید. (۶)

۳- تظاهر و ریا

بعضی از افراد برای رسیدن به ریاست از
 هیچگونه تظاهر و ریا خودداری نمی کنند و
 چه بسا کارهای دیگران را به خود نسبت
 می دهند و حتی حاضر می شوند از نعمتهای
 خوب دنیا استفاده نکنند و خود را وارسته
 و زاهد جلوه می دهند و با سادگی زندگی

می کنند و لباس ساده می پوشند تا مردم را
 به خود جلب نموده و بر آنها ریاست نمایند
 اینها همان افرادی هستند که دنیا را به
 خاطر دنیا ترک می کنند، بنابراین نباید
 فریب سادگی افراد را خورد و به زاهدنمائی
 افراد نباید مطمئن بود. چه بسا زاهد -
 نمائی ها که از جاه طلبی ناشی می گردد.

۴- نفاق و دورویی

نفاق و دورویی شعبهای از ریاکاری است.
 بعضی از افراد برای رسیدن به مقام ریاست
 و شهرت از راه نفاق و دورویی هرگروهی را
 از طریقی به طرف خود جلب می نمایند.
 گاهی خود را طرفدار توده، متمسک به معرفی
 می کنند و در زمینه های دیگر با سرمایه داران
 مترف هم پیاله می شوند. گاهی در جمع
 غرب زدگان با اصطلاح روشنفکر مراسم سنتی
 مذهب را به باد مسخره می گیرند و گاهی با
 صورت آلوده به گل، به جمع سینه زنان
 می پیوندند و از هر فرصتی به نفع خود
 استفاده می کنند و با اصطلاح معروف، نان را
 به نرخ روز می خورند.

**۵- اظهار برتری نمودن
 و ریاست به خرج دادن**

یکی از چیزهایی که در سخنان معصومین
 - علیهم السلام - بسیار مورد مذمت قرار
 گرفته ریاست به خرج دادن و بردیگران
 اظهار برتری نمودن است. اظهار برتری
 نمودن بر دیگران حد اعلای ریاست طلبی
 است که غالباً ریاست خواهان ریاست را برای
 همان می خواهند.
 در زمان جاهلیت، رؤسا و صاحبان مقام

معمولاً در اعمال و رفتار خود استعلا داشتند
 و بر مردم اظهار برتری می نمودند، یکی از
 رسمهای آنها این بود که آنها جلو راه
 می رفتند و دیگران مجبور بودند پشت سر
 آنها حرکت کنند، و بعضی از اوقات در
 حالی که سوار بر مرکب بودند دیگران پیاده
 دنبال سر آنها در حرکت بودند، و در بعضی
 از بلاد مرسوم بود که رؤسا سواره بودند و
 عدای جلوی مرکب آنها در حال پایکوبی
 حرکت می نمودند، همه این حرکات و اعمال
 در اسلام نهی شده و آنرا نشانه خودنمائی
 و جاه طلبی دانستند.

از مردی به نام جویریة نقل شده که او
 گفت: پشت سر امیرالمؤمنین علی (ع) راه
 میرفتم آن حضرت فرمود: "یا جویریة انه
 لم یهلك هو الا الحمقى الا یخفق النعال
 خلفهم". (۷) جویریة! این نابخردان به
 هلاکت نرسیدند مگر بواسطه صدای کفشها
 و پاهای مردم از دنبال آنها.

این تعبیر کنایه از این است که افرادی که
 دوست دارند جلوی روی مردم در حرکت
 باشند و دیگران پشت سر آنها باشند همان
 رؤسا هستند که ریاست آنها را به تنهایی
 می کشاند و این نوع ریاست به خرج دادن و
 اظهار برتری نمودن بردیگران برای رئیس
 خطرناک است.

از عبدالله ابن مسکان نقل شده که گفت:
 شنیدم که امام صادق (ع) می فرمود: به
 دور باشید از این ریاست دارانی که ریاست
 می کنند (با ریاست به خرج می دهند) به
 خدا قسم کفشها و پاها پشت سر مردم
 (ریاست طلب) به صدا در نیامد مگر اینکه
 آن مرد تباه شد و دیگران را به تباہی
 کشید. (۸)

مرحوم سید رضی در نهج البلاغه
 می فرماید: علی (ع) در مسیر خود به سوی
 شام به محلی به نام انبار رسید، در این
 محل عدای از بزرگان قوم جمع شدند و به
 منظور ادای احترام از مرکبهای خود پیاده
 شده و جلوی روی آن حضرت با سرعت و طرز
 مخصوصی به حرکت در آمدند، علی (ع)

فرمود: این چه کرداری است که از خود نشان دادید گفتند این کردار در نزد ما تعظیم به زمامداران است و ما با این عمل امرای خود را عظمت می دهیم علی (ع) فرمود:

به خدا سوگند امرای شما از این عمل سودی نمی برند و شما با این عمل برای خودتان در دنیا ایجاد رحمت و مشقت می کنید و بواسطه همین اعمال در آخرت به شقاوت نزدیک می شوید، و چه قدر زیان بار است مشقتی که به دنبال آن عقاب آخرت باشد. (۹)

۶- ناراحت بودن از شکست و نرسیدن به ریاست

بعضی از اوقات دیده می شود که شکست بعضی از افراد در انتخابات باعث شده که از فرط ناراحتی نسبت به رقیب خود به خصومت برخاسته و بین هواداران آنها اختلاف دامنه داری به وجود آمده است. زمامداران و مسئولان اسلام باید بیش از هر کس نسبت به دنیا بی اعتنا و راهد باشند و معنای زهد این است که برای نرسیدن به مقام و ریاست و متاع دنیا و با زدست دادن آن ناسف نخورند. اگر مسلمانی به عنوان انجام وظیفه و ادای تکلیف، خود را برای احراز یک مقام کاندیدا کرد شکست و نرسیدن به آن مقام نباید او را ناراحت کند، زیرا فرض این است که او هدفی جز ادای وظیفه نداشته و اگر انتخاب نشد تکلیف ساقط می گردد و مسئولیت از او سلب می شود، ناراحتی از شکست نشانه وجود حس جاه طلبی (ولو در مرتبه نازله آن) است زیرا

این ناراحتی غالباً حاکی از این است که احساس می کند در نظر مردم کوچک شده و این احساس نشان می دهد که برای بزرگ بودن خود در نظر مخلوق اهمیت خاصی قائل بوده و این همان جاه طلبی است که آن را تفسیر کردیم.

نگاهی به سخنان علی (ع)

ممکن است گفته شود که از خطبه شقشبه استفاده می گردد که علی (ع) از اینکسه زعامت مسلمین به دست او نرسیده اظهار ناراحتی فرموده، زیرا در آن خطبه میفرماید:

"اما والله لقد تقصصها فلان و انه ليعلم ان محلي منها محل القطب من الرحي".

به خدا سوگند فلان شخص پیراهن خلافت را بر تن پوشید در حالی که او می دانست من برای آن مقام مانند میله گرداننده آنها هستم.

ولی با توجه به قسمت ذیل خطبه شریفه روشن می گردد که اظهار ناراحتی حضرت به خاطر دنیا و ریاست دنیا نبوده و شاید آن حضرت از این جهت اظهار تاسف فرموده که ملت در انتخاب امام، راه صحیح را نرفته و با وجود فرد افضل که توسط رسول خدا برای امامت تعیین و معرفی شده دیگری را انتخاب کرده اند، زیرا در آخر خطبه می فرماید:

"لولا حضور الحاضر و قيام الحجة بوجود الناصر و ما اخذ الله على العلماء... لألقيت حبلا على غاربها...".

اگر مردم (پس از قتل عثمان) برای بیعت با من نیامده بودند و حجت بر من

تمام نبود (و راه عذر در پیشگاه خداوند برایم باز بود) و اگر نبود که خداوند ساز عالمان پیمان گرفته که در برابر شکم پیروزی و سبوری ستمگران و گرسنگی مظلومان آرام نگیرند حکومت را رها می کردم... شما به خوبی بافتاید که دنیای شما در نزد من بی ارزش تر از آب بینی بزهنگام عطسه است. در اینجا امام (ع) با صراحت می فرماید اگر به خاطر ادای تکلیف و انجام وظیفه نبود پس از عثمان نیز حکومت را قبول نمی کردم و اگر راه عذر برایم باز بود نه تنها برای به چنگ آوردن حکومت نمی کشیدم بلکه آنرا با رضایت خاطر و خیال آسوده رها می کردم. از این فراز از سخنان علی (ع) استفاده می شود که اگر مردم اجتماع نمی کردند و علی (ع) را وادار به قبول حکومت نمی نمودند آن حضرت برای ریاست تلاش نمی کرد، بنا بر این می توان گفت تبلیغات و تلاش برای بدست آوردن آرای بیشتر و پیروزی بر رقیب در حد وظیفه شخص کاندیدا نیست اگر چه شایستگی او محرز باشد بلکه این وظیفه برای دیگران است که باید بکوشند و افراد صالح را بشناسند و به دیگران معرفی نمایند تا برای قبول مسئولیت انتخاب گردد، کاندیدا اگر خود را نایسته بداند کافی است که خود را به مردم معرفی نماید و اگر بخواهد صدر صد اسلامی عمل کرده باشد باید نقاط مثبت و منفی خود، همه را بگوید.

انتخاب ریاست برای شغل

کسی که ریاست را به عنوان شغل و راه درآمد برای زندگی انتخاب می کند اگر با تقوی باشد و از جهات دیگر شایستگی داشته باشد شاید برای اسلام زبانی نداشته باشد ولی غالباً افرادی که ریاست را شغل خود قرار داده اند و آنرا به عنوان راه درآمد نگاه می کنند فقط تا حدی که به درآمد آنها ارتباط داشته باشد آنرا دنبال می نمایند تنها در ساعت های اداری بر سر کار می روند و پس از تمام شدن ساعت کار هم فوراً اداره

هوسرانی و رفاه طلبی در حد افراط، در اسلام به عنوان یک عمل حیوانی و بهیمی تلقی شده و مورد نکوهش قرار گرفته است.

را تعطیل می نمایند و به سراغ زندگی می روند و دیگر در فکراین نیستند که چه مقدار کارها انجام شده و چه مقدار از کارها مانده و مملکت در چه شرائطی قرار گرفته است ، اگر کارها متراکم و روی هم مانده باشد و مردم به انتظار نوبت روزها و ماهها معطل باشند برای آنها مسئلهای نیست ولی کسی که ریاست را برای ادای وظیفه می خواهد بیشتر در فکر انجام کار است و اگر دید کارها مانده است با تلاش شبانه روزی کارها را ردیف می کند و ارباب رجوع را معطل نمی کند .

بنا بر نقل نهج البلاغه علی (ع) سه اشعت این قیس حاکم آذربایجان مینویسند :
 " وان عملک لیس بطعمه ولكن فی عنقک امانه " (۱۰)

حکمرانی برای توطئه و خوراک نیست بلکه آن عمل برگردن تو امانت است .

ریاست برای رفاه طلبی و خوش گذرانی

اگرچه ریاست به طور طبیعی درآمسد زیادی ندارد تا افراد به منظور رفاه طلبی طالب آن باشند مخصوصاً در حکومت اسلامی که اسلام زمامداران را به سادگی فرمان داده است ، ولی ممکن است بعضی از افراد به امید اینکه بتوانند در ضمن ریاست از راه اختلاس یا رشوه خواری ها زندگی خود را مرفهتر نمایند به طلب ریاست برخیزند . برای اینکه وظیفه مسلمانان نسبت به این گونه افراد روشن گردد و امت اسلامی بدانند در رابطه با این افراد چه موضعی بایسد داشته باشد نظریه اسلام را در باره افراد رفاه طلب و خوشگذران و هوسران بیان می کنیم :

هوسرانی و رفاه طلبی در حد افراط در اسلام به عنوان یک عمل حیوانی و بیهمی تلقی شده و مورد نکوهش قرار گرفته است ، و بطور کلی کسانی که دنبال شک هستند و همیشه می کوشند سفره های رنگین داشته باشند و با دنبال هوسرانی ها و اتباع غریزه جنسی می روند و یا می کوشند خانه های زیبا و مرکب های آخربین سبتم داشته باشند و

آنها در زندگی هدف خود می دانند در نظر رهبران اسلام ارزش انسانی نداشته و آنها را مذمت نموده اند .

در اینجا از میان روایت های زیادی که از رسول خدا و ائمه معصومین در مذمت دنیا طلبان رسیده یک روایت را که در جامع السعادات ، جلد ۲ ، صفحه ۲۶ از رسول خدا - صلی الله علیه و آله - نقل شده برای خوانندگان عزیز ترجمه می کنیم .

رسول خدا (ص) فرمود : پس از من جماعتی می آیند که بهترین غذا های رنگارنگ را می خورند و زیباترین زنان را به نکاح خود در می آورند و ظریف ترین لباسها را می پوشند و نیرومندترین مرکبها را سوار می شوند ، شکمهای دارند که با اندک سیر نمی شود و نفسهای (حریص) دارند که با زیادی (ثروت) هم قانع نمی گردد (محور زندگی آنها دنیا است) ، صبح و شام رو به دنیا دارند و بر محور آن می گردند ، دنیا را به جای خداوند معبود خود قرار میدهند و سرگرم دنیای خود هستند و دنیا را بازیچه هواهای نفسانی خود می دانند ، هر کدام از مسلمانان اگرچه در نسلهای آینده آن زمان را درک کردند (و با این اقوال بسر خورد نمودند) از طرف محمد بن عبدالله بر آنها جرم و لازم است (که این افراد را کنار بزنند و به آنها بی اعتنائی کنند) بر آنها سلام نکنند و از بهاران آنها عیادت ننمایند و اگر بجهنمند به تشییع جنازه آنها حاضر نشوند ، و هرگز به آنها سلام نکنند و از بهاران آنها عیادت کنند (و بالاخره آنها را مورد احترام و اعتنا قرار بدهد) به ناپود کردن اسلام کمک کرده است .

متن حدیث شرح زیر است :

" سبائی قوم بعدی یا کتون اطلبه الطعام و انواعها و ینکحون اجمل النساء و الوانها و یلبسون البین الثیاب و الوانها و یرکبون اقوی الخیل و الوانها ، لهم بلسون من القلیل لاتشبع و انفس بالکثیر لاتقنع ، عاکفین علی الدنيا یغدون و یروحنون الیها اتخذوها آلهة دون الیهیم و ربأدون ربهم

الی امرهم ینتھون و هواهم یلعبون ، فعزیمه من محمد بن عبدالله لمن ادرك ذلک الزمان من عقب عقبکم و خلف خلفکم ابدا لا یسلم علیهم ولا یعود مرضاهم ولا یتبع جنازتهم و لا یوقر کبیرهم ، و من فعل ذلک فقد اعان علی هدم الاسلام "

از مضمون این حدیث استفاده می شود : افرادی که با خدا سروکار ندارند و دنیا را به خاطر دنیا می خواهند و غیر از بهر طرف گیری و کامرانی در دنیا برای خود هدفی نمی بینند نه تنها نباید آنها را در راس کاری قرارداد بلکه باید آنها را از جامعه اسلامی طرد نمود .

ادامه دارد

- ۱ - وسائل الشیعه ، ج ۱۱ ، ص ۲۶۹ .
- ۲ - وسائل الشیعه ، ج ۱۱ ، ص ۲۸۱ .
- ۳ - ملعون من ترأس ، ملعون من هم بهیبا ملعون من حدث نفسه بها ، و قال من طلب الریاسة هلک . وسائل ج ۱۱ ص ۲۷۹ و ۲۸۰ .
- ۴ - ما ذنبان شاربان فی غشم قد تفرق رعاشها بأخر فی دین المسلم من الریاسة " . وسائل ، ج ۱۱ ، ص ۲۷۹ .
- ۵ - " ایاک و الریاسة ، و ایاک ان تطأ اعقاب الرجال ... ایاک ان تنصب رجلا دون الحجة فتصدقه فی کل ما قال " . وسائل ، ج ۱۸ ، ص ۹۰ .
- ۶ - " و قد کرهت ان یمکن جال فی ظنکم انی احب الاطراء و استماع الثناء و است بحمد الله کذلک ... فلا تنشوا علی جمیل ثناء ... و لاتظنوا بی استغفالا فی حق قیل لی ... فلا تکفوا عن مقالة بحق او مشورة بعدل " . نهج البلاغه ، از خطبه ۲۱۶ .
- ۷ - وسائل ، ج ۱۱ ، ص ۲۸۰ .
- ۸ - " ایاکم و هو لا الرواها الذین یتراون فوالله ما خلقت النعال خلف الرجل الا هلک و اهلک " . وسائل ج ۱۱ ، ص ۲۷۹ .
- ۹ - " ... والله ما ینتفع بهذا امر او کم و انکم لتتقون علی انفسکم فی دنیاکم و تشقون به فی آخرکم و ما اضر المشقة و انشائها العقاب " . نهج البلاغه ، حکمت ۳۷ .
- ۱۰ - نهج البلاغه ، از نامه ۵ .